

تعهد دولت‌ها بر ایجاد برابری جنسیتی در آموزش

مریم سید حاتمی^۱، نسرین مصفا^{۲*}

چکیده

حق بر آموزش، از حقوق بنیادین بشر است که نظیر سایر حقوق مشابه باید همه افراد بدون تبعیض از آن برخوردار شوند. این حق در اسناد مختلف حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، نابرابری جنسیتی در آموزش نقض آشکار حق مزبور، محسوب می‌شود. مقاله حاضر، با بررسی چارچوب‌های حقوق بشری مربوط که متشکل از معاهدات بین‌المللی، گزارش نهادهای حقوق بشری و رویه دولت‌هاست، به این نتیجه رسیده که ماهیت تعهد بر برابری آموزشی تعهدی دوزوره است که نقض آن موجب ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها می‌شود. این تعهدات ماهیت سلبی ندارد، بلکه در توازن با ماهیت ایجابی خود رفتار دولت‌ها را هدایت و نظم می‌بخشد. در واقع، این تعهدات نه تنها به موانعی که زنان در برخورداری از این حق مواجهند، می‌پردازد؛ بلکه زمینه‌های تحقق آن را نیز مهیا می‌سازد و ضمن هویت بخشیدن به مسئله نابرابری جنسیتی، با آن مبارزه می‌کند و در تمام حوزه‌های تقنینی و اجرایی، دولت‌ها را متعهد به ایجاد چارچوب‌های تعریف‌شده برای رفع تبعیض و تضمین حقوق زنان در مسئله آموزش می‌کند.

کلیدواژگان

برابری جنسیتی، تبعیض جنسیتی، تعهدات دولت حق بر آموزش، سند توسعه پایدار.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: hatami79@gmail.com
۲. استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: ut.ac.ir (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۳۰

مقدمه

اگرچه امروزه مسئله بهره‌مندی از آموزش مانند گذشته موضوع نقض‌های شدید حقوق بشری نیست و دختران بیشتری به مدرسه می‌روند، اما همچنان این مسئله با موانع جنسیتی و گاه غیرجنسیتی بسیاری مواجه است. وجود نگاه تبعیض‌آمیز به زن، ازدواج در سنین کودکی، فقدان محیط‌های آموزشی کافی، نبود زیرساخت‌های لازم برای زنان و در نهایت فقر از عواملی است که می‌تواند مسئله حق برابری آموزش را متأثر سازد (Singh, 2014: 9-10).

تبعیض در همه اشکال خود مانعی برای تحقق آرمان‌های حقوق بشری است، به‌گونه‌ای که گاه ممکن است زمینه‌ساز نقض‌های دیگر یا حتی موجب بروز پدیده‌هایی چون افراط‌گرایی یا تروریسم شود.^۱ «تبعیض جنسیتی»^۲، مسئله برابری حقوق زن و مرد را به چالش می‌کشد و دارای ابعاد مختلفی است که مهم‌ترین آنها تبعیض در برابری حقوق مدنی و اجتماعی، تبعیض در بهره‌مندی برابر از فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های اقتصادی و تبعیض در برابری آموزش است (Mikkola, 2007: 6).

رفع رفتارها و سیاست‌های تبعیض‌آمیز نسبت به حق برابری در آموزش، از اهداف جامعه بین‌الملل در تحقق آرمان «برابری جنسیتی»^۳ است که از طریق چارچوب‌های سیاسی و حقوقی دنبال می‌شود. این چارچوب‌ها شامل تعهد به حمایت و تضمین حق زنان بر آموزش از طریق رفع موانع تبعیض‌آمیز و اتخاذ اقدامات مؤثر در ایجاد برابری آموزشی است (UNESCO Report, 2018: 2). به‌منظور تبیین تعهدات دولت‌ها نسبت به حق برابری جنسیتی در آموزش، نوشته حاضر با بررسی چارچوب‌های حقوقی و سیاسی برابری جنسیتی در آموزش به بیان محتوای تعهدات دولت‌ها بر اساس اسناد بین‌المللی برای کسب هدف مزبور می‌پردازد.

تعهدات حقوقی دولت‌ها در زمینه برابری جنسیتی در آموزش

احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان و مذهب از اهداف منشور ملل متحد است که در ماده ۱ و در کنار سایر اهداف سازمان چشم‌انداز نوینی را برای نظم جهانی ترسیم می‌کند. جامعه جهانی برای حصول به هر یک از این مقاصد چارچوب‌هایی را ایجاد کرده است که از مجرای تعهدات بین‌المللی می‌گذرد. تعهد دولت‌ها به برابری جنسیتی در آموزش، تعهدی است پویا که در چارچوب‌های بین‌المللی حقوق بشر به فعلیت می‌رسد. از مجرای این تعهد، دولت‌ها اهمیت برابری جنسیتی در آموزش را شناسایی

1. <https://www.universal-rights.org/blog-nyc-3/does-the-un-already-have-the-tools-to-prevent-violent> (Last Visited 4.29. 2019).

2. Gender discrimination

3. Gender equality

کرده و نقش آن را در توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تبیین می‌کنند و به‌منظور تحقق آن الزامات حقوقی و اجرایی لازم را به‌وجود می‌آورند. ماهیت این الزامات به‌تناسب میزان مسئولیت دولت در تحقق آن متفاوت است، در واقع، الزام دولت در بسط فرهنگی مربوط به تحصیل دختران متفاوت است با الزام آن در ایجاد چارچوب‌های حقوقی مطلوب برای تحصیل ایشان (Wilson, 2004: 12-13).

از این رو این پرسش ایجاد می‌شود که تعهد دولت به برابری جنسیتی در آموزش چگونه است؟ آیا این تعهدی دوزوره است یا دوفاکتو؟

حقوق بشر که در چارچوب معاهدات حقوق بشری و تحت نظام بین‌الملل حقوق بشر تبلور می‌یابد، مبین حقوق بنیادین بشر تحت الزامات حقوقی است، یعنی تعهدات دولت‌ها به اجرای آنها دارای ویژگی حقوقی است. حقوقی بودن تعهدات حقوق بشری به این معناست که این تعهدات از جنس تعهدات دوزوره است (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۵). در واقع، تعهد دوزوره زمانی ایجاد می‌شود که کشوری اختیار خود را براساس چارچوب‌های حقوق بین‌الملل متعهد به امری کند. از این رو، در صورت عدم اجرای تعهد مزبور کشور متعهد مسئول خواهد بود. بر این اساس، چنانچه کشوری نتواند الزامات حقوق بشری را محقق سازد، باید بار مسئولیت خود را بر دوش کشد. حق بر آموزش براساس برابری و عدم تبعیض در چارچوب نظام بین‌الملل بشر شناسایی شده است.

اگرچه منبع اصلی حقوق بین‌الملل بشر، معاهدات بین‌المللی است، منابع دیگری نیز وجود دارد که نقشی انکارناپذیر در توسعه حقوق بشر ایفا می‌کنند. حقوق نرم یکی از این منابع است که با وجود عدم ایجاد تعهدات حقوقی، ولی در تعریف و تشریح مفاهیم و همچنین بسط دامنه حقوق بشر بسیار نقش‌آفرینی می‌کند که حوزه برابری جنسیتی و برابری در آموزش را نیز شامل شود. اسنادی که در این حوزه تولید می‌شوند شامل تفسیر معاهدات، اصول راهنما، اعلامیه‌ها، رویه قضایی، قطعنامه‌ها و... می‌شود. برای مثال می‌توان به اعلامیه ۱۹۹۳ مجمع عمومی در خصوص رفع خشونت علیه زنان^۱ اشاره کرد که با وجود عدم ایجاد الزام حقوقی برای دولت‌ها، تبیین‌کننده مقررات مندرج در کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان است و اقداماتی که باید دولت‌ها در این زمینه انجام دهند، از جمله در زمینه آموزش را تشریح می‌کند (DEVAW. Art 4(j)).

دلیل اهمیت این اعلامیه‌ها آن است که می‌توانند معرف و بیان‌کننده هنجارهای نوین در سطح بین‌المللی باشند و فرایند قاعده‌سازی را متأثر سازند (Barelli, 2009: 96). برای مثال، اعلامیه مذکور در ایجاد کنوانسیون آمریکایی جلوگیری، مجازات و محو خشونت علیه زنان^۲ یا کنوانسیون اروپایی جلوگیری و مجازات خشونت علیه زنان^۳ بسیار مؤثر بوده است.

1. Declaration on the Elimination of Violence against Women, 1993, A/RES/48/104.

2. The Inter-American Convention on the Prevention, Punishment, and Eradication of Violence against Women.

3. The Council of Europe Convention on Preventing and Combating Violence against

۱. ماهیت تعهدات حقوقی دولت‌ها در زمینه برابری جنسیتی در آموزش

با تعمق در رویه هنجارسازی و نظارتی نظام بین‌الملل حقوق بشر به خصوص نحوه عبارت‌پردازی در اسناد و توصیه‌نامه‌های صادره، ماهیت تعهدات دولت‌ها در این خصوص را می‌توان به طریق زیر ترسیم کرد.

برابری جنسیتی منبعث از اصل عدم تبعیض، که مهم‌ترین اصل تمامی اسناد حقوق بشری و تصویرگر انسان استعلایی و انسان حقوق بشری است، می‌باشد. انسانی که فارغ از هرگونه عرضیات، باید از حقوق بشر برخوردار شود. این حق - برابری و عدم تبعیض - مجرای متعین ساختن دیگر حقوق بشر است.

ملاحظه مقدمه منشور ملل متحد و ایمان راسخ دولت‌های پایه‌گذار و عضو سازمان به «حقوق اساسی بشر، حیثیت و شخصیت انسانی و به تساوی حقوقی میان زن و مرد...» (Preamble United Nations Charter, 1945) و تعهد به ترویج همکاری بین‌المللی در امور اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بی‌هیچ تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب و ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر مبنی بر تأکید بر برابری همه انسان‌ها اعم از زن و مرد در برخورداری از حقوق مندرج در اعلامیه و بند ۲ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تضمین تعهد اعضا بر عدم اعمال هرگونه تبعیض در برخورداری از حقوق مندرج در میثاق این نتیجه قابل درک است که جمع بین این تعهدات ممکن نخواهد بود، مگر آنکه پذیرفته شود که تعهد دولت‌ها در خصوص عدم تبعیض به تمامی صور آن از جمله تبعیض بر مبنای جنسیت، تکلیفی بنیادین بر عهده دولت‌هاست و تعهد بر برابری جنسیتی یک قاعده اساسی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. حق برابر زن و مرد در برخورداری از حق آموزش، مانند همه تعهدات حقوق بشری، سه سطح از تعهدات را به دولت‌ها تحمیل می‌کند: تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفا و اجرا (جعفری، ۱۳۹۲: ۳).

تعهد به احترام، دولت را ملزم می‌کند که از هرگونه اقدام و مانعی که موجب عدم برخورداری از حق آموزش برابر می‌شود، اجتناب کنند. به‌طور مثال دولت‌ها باید از اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های قانونی، قضایی، اجرایی و دیگر اقداماتی که به برقراری هرگونه تبعیض جنسیتی در امر آموزش منجر می‌شود، خودداری کنند.

در تعهد به حمایت، دولت‌ها متعهد به اتخاذ تدابیری هستند که مانع مداخله اشخاص ثالث در اعمال برابری جنسیتی در آموزش شود. براساس این تعهد دولت‌ها باید اقداماتی را در جهت از بین بردن تعصبات، عرف‌ها و هرگونه کلیشه‌های جنسیتی که به برتری یا فرومایگی جنسیتی منجر شود، انجام دهند و با وضع قانون، ایجاد نهادهای دولتی، اتخاذ برنامه‌های مناسب و تأسیس مؤسسات عمومی و نظارت بر رفتار بازیگران غیردولتی آن هنگام که انجام خدمات

آموزشی به این اشخاص واگذار شده، از مداخله اشخاص ثالث در بهره‌مندی از این حق جلوگیری کنند. (CESCR, General Comment 16, 2005: Para.19 & 20)

در تعهد به ایفا که هر دو وظیفه تأمین و تسهیل را در برمی‌گیرد، دولت‌ها متعهدند که اقدامات مثبتی را در جهت تأمین محتوای این حق و مساعدت به اشخاص و سازمان‌ها برای اعمال این حق، انجام دهند (The Right to Education - Law and Policy Review (Guidelines, UNESCO, 2014: 12) و با اتخاذ تدابیر ضروری، مؤثر و جدی در تدوین، اجرا، نظارت و ارزیابی خط‌مشی‌های تقنینی، قضایی، اجرایی و حسب ضرورت، ریشه‌کنی یا بازنگری و اصلاح قوانین، مقررات، عرف‌ها و رویه‌های متضمن تبعیض طی طریق کنند.

شایان ذکر است که هرچند حق بر آموزش جزو حقوق رفاهی بوده و تعهد دولت‌ها نسبت به این حق، تعهد ایجابی و تدریجی است، اما از دو منظر این مسئله قابل تأمل است. ابتدا آنکه تدریجی بودن حق بر آموزش نباید به گونه‌ای تفسیر شود که تعهد را از تمام محتوای معنایی خود خارج کند. تدریجی بودن تعهد، متضمن تعهد به حرکت به سمت این هدف در سریع‌ترین و مؤثرترین حد ممکن است (اسماعیلی و امینی پژوه، ۱۳۹۵: ۷۹). دوم آنکه بارزترین تعهدی که بارها بر فوری بودن آن تأکید شده و تعهدی مشترک بین تمامی نسل‌های حقوق بشر محسوب می‌شود، تعهد به منع تبعیض در بهره‌مندی از حقوق بشر است. (CESCR, General Comment.20, 2009: Para.7)

بنابراین تعهد دولت‌ها به برابری جنسیتی در آموزش مستلزم تعهد فوری و اقدام سریع و البته مستمر دولت‌ها در از بین بردن هر آنچه موجب تبعیض و نابرابری جنسیتی در امر آموزش می‌شود، خواهد بود.

تعهدات سیاسی دولت‌ها در زمینه برابری جنسیتی در آموزش

در سال ۲۰۱۵، طی قطعنامه ۷۰/۱ مجمع عمومی، دولت‌های جهان پایبندی خود را به اهداف توسعه پایدار که شامل ۱۷ هدف اساسی است، اعلام کردند. در بین این اهداف، مسئله برابری آموزشی تحت هدف چهارم و برابری جنسیتی ذیل هدف پنجم تبیین شده است. همچنین دولت‌ها از طریق اعلامیه و چارچوب اقدام ۲۰۳۰ برای آموزش (اعلامیه اینچئون)^۱ راهبرد عملی جامعه بین‌الملل برای دستیابی به برابری آموزشی را اعلام کردند.

۱. در سال ۲۰۱۵، مجمع جهانی آموزش به‌منظور ایجاد چارچوبی عملی برای اجرای هدف شماره ۴ در اینچئون کره جنوبی تشکیل شد. این مجمع که به ابتکار یونسکو و با همراهی یونیسف، بانک جهانی، برنامه توسعه ملل متحد، زنان ملل متحد و کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان تشکیل شد، مبادرت به صدور اعلامیه‌ای کرد که راهبردهای عملی تحقق برابری در آموزش را تعیین می‌کرد. اگرچه اعلامیه مزبور تعهد حقوقی بر دوش کشورها قرار نمی‌دهد، در تبیین تعهدات کشورها ذیل نظام معاهدات حقوق بشر نقشی مهم ایفا می‌کند. ر.ک:

Education 2030: Incheon Declaration and Framework for Action for the implementation of Sustainable Development Goal 4, ED-2016/WS/28.

مانند معاهدات حقوق بشری، چارچوب‌های توسعه پایدار نیز حاصل مذاکرات دولت‌ها و بسیاری از کنشگران غیردولتی است، از این‌رو نگرانی‌ها و محتوای حقوق بین‌الملل بشر همپوشانی گسترده‌ای با سند اهداف توسعه پایدار دارد. برای مثال، هر دو در پی رفع موانع سیستماتیک هستند که موجب نابرابری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جنسیتی می‌شوند. (UNESCO, Country Commitments to Gender Equality in Education, Right to Education Initiative Report, 2018: 8-9).

با وجود این، سند اهداف توسعه در این وجه که تحقق اهداف خود را طی یک دوره زمانی پانزده‌ساله از دولت‌ها مطالبه می‌کند، با نظام حقوق بشر متفاوت است، زیرا چارچوب‌های حقوق بشری فرایندی مداوم و تدریجی است تا دولت‌ها بتوانند ظرفیت‌های لازم برای اعمال استانداردهای رفتاری خاص نسبت به شهروندان خود و سایر افراد بشر را در جهان اعمال کنند. تعهدات حقوق بشری به‌طور کلی حقوقی‌اند و از این‌رو به‌طور صریح و فاقد محدودیت زمانی تجویز می‌شوند. ولی الزامات مندرج در سند اهداف توسعه پایدار حقوقی نبوده و از جنس سیاسی است، یعنی عدم پایبندی به آنها موجب ایجاد مسئولیت بین‌المللی نمی‌شود. البته شایان ذکر است که با توجه به ساختار حقوقی و سیاسی زیست بین‌الملل، اجرای هر دو نوع تعهدات براساس اراده سیاسی دولت‌ها وابسته است.

مهم‌ترین تفاوت بین پایبندی سیاسی با تعهدات حقوقی (دوژوره) امکان ایجاد مسئولیت حقوقی است. البته این به معنای نبود مسئولیت برای دولت‌هایی که به تعهدات سیاسی پایبند نیستند، نمی‌باشد، بلکه مسئولیت ناشی از این تعهدات نرم‌تر است و امکان پیگیری آنها از طریق سازوکارهای مستقل بین‌المللی مانند دیوان‌ها و نهادهای معاهده محور ملل متحد وجود ندارد. با وجود این سازوکارهای داخلی دولت‌ها می‌توانند این امر را پیگیری کنند (Galbraith, 2017: 1699-1705).

محتوای تعهدات حقوقی دولت‌ها در زمینه برابری جنسیتی در آموزش

این مسئله گاه به‌صورت صریح و مستقیم و گاه در خلال مسئله رفع تبعیض از زنان یا حق بر آموزش در معاهدات حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش مهم‌ترین مقررات بین‌المللی مربوط به موضوع و چارچوب‌های هنجاری که این مقررات بر آن استوار است، بررسی می‌شود.

۱. کنوانسیون محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان

کنوانسیون در ماده ۱۰ به این موضوع می‌پردازد و دولت‌ها را به تضمین حقوق برابر زنان با مردان در زمینه آموزش از طریق موارد ذیل متعهد می‌سازد: الف) وجود شرایط مشابه برای

تحصیل در تمام مناطق و در تمام سطوح تحصیلی^۱؛ ب) برخورداری از کیفیت آموزشی مشابه^۲؛ ح) رفع هرگونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش مردان و زنان^۳؛ د) برخورداری از فرصت‌های مشابه بورسیه یا سایر کمک‌های تحصیلی^۴؛ ه) امکان دسترسی برابر به برنامه‌های آموزشی مداوم، مانند برنامه‌های سوادآموزی، به‌خصوص برنامه‌هایی که به‌دنبال کاهش فاصله میان زنان و مردان است؛ و) کاهش میزان ترک تحصیلی میان زنان و ایجاد برنامه‌های آموزشی برای افرادی که ترک تحصیل کرده‌اند؛ ز) ایجاد فرصت‌های مشابه برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی و سایر فعالیت‌های فیزیکی؛ ح) دسترسی به اطلاعات آموزشی مربوط به سلامتی از جمله توصیه‌های مرتبط با تنظیم خانواده.

کمیته رفع تبعیض علیه زنان در توصیه شماره ۳۶ خود به‌طور ضمنی تفسیری از ماده ۱۰ کنوانسیون ارائه و بیان می‌کند دولت‌ها باید آنچه را که مانع بهره‌مندی زنان از حق بر آموزش می‌شود، رفع کرده و اقدامات لازم را برای ایجاد برابری آموزشی در عمل فراهم سازند. همچنین دولت‌ها باید چارچوب‌های سیاسی و حقوقی لازم برای انطباق عملی و عینی با سایر الزامات کنوانسیون را ایجاد کنند. برای انجام این امر، کمیته رویکردی متشکل از سه مفهوم حق دسترسی به آموزش، حق در آموزش و حق از طریق آموزش را توسعه می‌دهد (CEDAW, General Recommendation 36, 2017).

حق دسترسی به آموزش به مسئله امکانات و زیرساخت‌های آموزشی اشاره دارد که خود متشکل از سه عنصر زیر است: الف) دسترسی فیزیکی شامل مهیا بودن زیرساخت‌های کافی

۱. اصل شرایط مشابه یا برابری فرصت‌ها در آموزش از سوی بسیاری از دولت‌ها شناسایی شده است. برای مثال در قضیه براون علیه هیأت آموزش، دیوان عالی آمریکا اعلام کرد که کودکان رنگین‌پوست از امکانات و فرصت‌های آموزشی کمتری در مقایسه با کودکان سفیدپوست برخوردارند و این نمی‌تواند اهداف عالی آموزشی دولت را محقق سازد. این مسئله در قانون «فرصت‌های برابر آموزشی» تدوین و مقرر شد که حق برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی در مدارس مختلط جنسی یا نژادی بایستی از سوی دولت تضمین شود. ر.ک:

General Assembly, Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on the right to education, adopted on 18 April 2011, A/HRC/17/29.

۲. براساس گزارش گزارشگر ویژه حق بر آموزش، مسئله آموزش دختران با مشکلات فراوان زیرساختی، زیستی، اقتصادی و حتی امنیتی روبه‌روست که کیفیت آموزش نسبت به دختران را به‌شدت متأثر می‌سازد که این امر می‌تواند به‌طور جدی حق ایشان بر آموزش را سلب کند. ر.ک:

Economic and Social Council, Commission on Human Rights, the Special Rapporteur on the right to education, 2006, E/CN.4/2006/45.

۳. کمیته رفع تمام اشکال تبعیض نسبت به زنان در نظر عمومی شماره ۱۶ خود بیان می‌دارد که وجود رویه‌ها و چارچوب‌های فرهنگی مبتنی بر نابرابری جنسیتی که برخاسته از الگوهای نهادین جنسیتی است، ی از موانع تحقق برابری میان زن و مرد در برخورداری از حقوق و آزادی‌های بنیادین خود است. دولت‌ها باید از طریق ایجاد قوانین مناسب، آموزش و ارتقای آگاهی‌های عمومی به رفع این مسئله اقدام کنند. ر.ک:

The Committee on the Elimination of Discrimination against Women, General recommendation, No.16, 1991, A/46/38.

است؛ ب) دسترسی تکنولوژیک به مسئله فراهم ساختن امکانات لازم برای آن دسته از افراد که نمی‌توانند در مدرسه حضور یابند، مانند به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات برای مناطق دور افتاده؛ ج) دسترسی اقتصادی به معنای ایجاد نظام آموزشی رایگان است.

حق در آموزش در مفهوم کیفی آموزش زیست می‌کند، به اموری فراتر از برابری عددی دلالت دارد. هدف ارتقای برابری عینی جنسیتی در آموزش است. حق در آموزش به مسئله برابری در رفتار و دسترسی به فرصت‌ها دلالت دارد. برای مثال می‌توان به ماهیت رفتار معلم با دانش‌آموزان دختر و پسر اشاره کرد، زیرا این جامعه است که نابرابری مبتنی بر جنسیت را از طریق نهادهای اجتماعی شکل می‌دهد و لذا محیط‌های آموزشی در این مسیر نقش بسیار پررنگی ایفا می‌کنند. در بسیاری از جوامع، به‌جای اینکه محیط‌های آموزشی کلیشه‌های جنسیتی^۱ را بشکند و الگوی تازه‌ای از روابط مبتنی بر برابری را ایجاد و بسط دهند، همان کلیشه‌های جنسیتی جامعه را می‌گیرند و براساس آن رفتارهای جاری در محیط‌های آموزشی را شکل و سازمان می‌دهند.

حق از طریق آموزش به این معناست که تحصیل باید موجب ایجاد برابری جنسیتی در زندگی خارج از محیط‌های آموزشی شود. فقدان این حق زمانی آشکار می‌شود که نظام آموزشی که باید بستری برای تغییر نگاه‌های کلیشه‌ای جنسیتی باشد، فاقد توانایی ارتقای موقعیت زنان در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، از این رو بهره‌مندی کامل آنها از این حقوق را نادیده می‌گیرد. در واقع، عدم تحقق این حق به این معناست که مدارک تحصیلی زنان ارزش یا اعتبار اجتماعی برابر با مردان ندارد (Report of the Special Rapporteur on the right to education, 2019: para.17). حتی اگر مردان دارای سطح تحصیلات کمتری باشند، باز از موقعیت و فرصت‌های بیشتری به نسبت زنان در زمینه‌های مختلف برخوردار خواهند بود.^۲

هرچند کنوانسیون در ماده ۱۰ به‌طور جامع به بحث برابری در آموزش پرداخته، اما در تبیین این ماده با ارائه نظریه تفسیری خود، به‌طور واضح دامنه، قلمرو و مفهوم برابری جنسیتی را شکافته و قلمرو تعهد دولت‌ها را از اقدام به یک سری امور فیزیکی و ظاهری گسترش داده

۱. گزارشگر ویژه حق آموزش بیان می‌کند که بسیاری از جنبش‌ها و حرکت‌های افراطی سعی در ارائه و تعریف تصویری کلیشه‌ای از یک همسر، دختر یا زن خوب دارند که یکی از ویژگی‌های این زنان محروم‌بودنشان از تحصیل است. ر.ک:

Report of the Special Rapporteur on the right to education, 2019, A/74/243, Para, 47.

۲. برابر آمار شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد، چالش برانگیزترین شکاف جنسیتی در بعد توانمندی اقتصادی و سیاسی است و با پیش‌بینی روند فعلی، ۲۰۲۰ سال طول می‌کشد که در این حوزه برابری ایجاد شود. یعنی زنان با وجود داشتن مدارک تحصیلی برابر با مردان نمی‌توانند در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و مدیریتی جایگاهی برابر با آنها را تصدی کنند. ر.ک: The Global Gender Gap Report, 2018: 10.

است و به خارج از حوزه‌های آموزشی، چون برابری اعتبار مدارک تحصیلی زن و مرد، برابری در دسترسی به موقعیت‌ها و فرصت‌ها، رفتار برابر مربیان مدارس و زدودن کلیشه‌های جنسیتی تسری داده است. این حد از گستردگی قلمرو و مفهوم برابری آموزشی و تعهد دولت‌ها در این زمینه نشان از بنیادین بودن این حق بشری و تأثیر آن در سایر حقوق فرهنگی، مثل برابری در تصدی احراز مشاغل و موقعیت‌ها دارد. در واقع به نظر می‌رسد اگر دولت‌ها تعهد خود در خصوص آموزش را با این حد از قلمرو که کمیته ارائه داده است به انجام برسانند، پاداش این وفاداری، ایجاد برابری جنسیتی در حوزه‌های دیگر اقتصادی، شغلی، اجتماعی و سیاسی خواهد بود که دولت‌ها در این خصوص نیز تعهد با مبنای متعدد حقوقی و سیاسی دارند. البته چارچوب‌های کنوانسیون در زمینه برابری جنسیتی در آموزش به ماده ۱۰ محدود نمی‌شود و در سایر مواد همچون مواد ۱، ۲، ۷ و ۱۱ نیز می‌توان دلالت‌هایی در این زمینه یافت.

۲. کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش

مقررات این کنوانسیون به‌طور خاص به موضوع آموزش پرداخته است. در این کنوانسیون تبعیض شامل هرگونه تمایز، محرومیت، محدودیت یا اولویتی است که براساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی یا ملی، و وضعیت اقتصادی یا شرایط تولد به‌وجود می‌آید و هدف یا پیامدش تخریب یا تضعیف برخورد یکسان آموزشی و به‌ویژه موارد زیر است: محروم کردن فرد یا گروهی از افراد از هر نوع یا هر سطح آموزش؛ محدود کردن فرد یا گروهی از افراد به استفاده از کیفیت آموزشی پایین‌تر؛ تأسیس یا تداوم مؤسسات یا نظام‌های آموزشی جداگانه برای افراد یا گروه‌ها، البته با توجه به شروطی که در بند ۲ این کنوانسیون ذکر شده، تحمیل شرایط (ویژه) به فرد یا گروهی از افراد که مغایر با منزلت انسانی است. (UNESCO Convention against Discrimination in Education, 1960: art.1)

تبعیض در آموزش به تمامی سطوح آموزش از ابتدایی تا تکمیلی، انواع آموزش، کارکنان آموزش، امکانات و زیرساخت‌های فراهم‌شده، شرایط و کیفیتی که تحت آن آموزش انجام می‌پذیرد، تسری می‌یابد. به موجب این کنوانسیون حتی در صورت ایجاد تفکیک جنسیتی در آموزش، باید هر دو جنس دختر و پسر به‌صورت یکسان به امکانات آموزشی، فضای آموزشی مناسب دسترسی داشته باشند. این تساوی به دسترسی یکسان هر دو جنس به کارکنان آموزشی و معلمان که از صلاحیت‌های علمی و اخلاقی یکسان برخوردار باشند نیز تسری می‌یابد. (UNESCO Convention against Discrimination in Education, 1960: art.2)

تعهدات دولت‌ها در ماده ۳ مورد توجه قرار می‌گیرد و از دولت‌ها خواسته می‌شود به‌منظور رفع و جلوگیری از تبعیض، به مفهومی که در این کنوانسیون آمده است، فعالیت‌های زیر را به اجرا گذارند: الف) هر نوع تمهیدات قانونی و اداری را که موجب تبعیض در آموزش می‌شود،

ملغی و متوقف سازند؛ ب) رفع هرگونه تبعیض در پذیرش دانش‌آموزان و دانشجویان در مؤسسات آموزشی را، حتی در صورت لزوم از طریق قانونگذاری، تضمین کنند؛ ج) اجازه ندهند که مراجع دولتی در کمک به اتباع کشور خود هیچ‌گونه استثنایی قائل شوند؛ مگر اینکه این استثنا براساس شایستگی یا نیاز شاگردان صورت گیرد؛ آن هم در قالب کاهش شهریه، اعطای بورس تحصیلی یا سایر اشکال کمک به آنها مانند فراهم ساختن تسهیلات یا دادن مجوز جهت ادامه تحصیل در دولت‌های خارجی؛ د) اجازه ندهند شاگردان فقط به دلیل تعلق به گروهی خاص از امتیاز کمک‌های مراجع دولتی به مؤسسات آموزشی برخوردار شوند یا با محدودیت در استفاده از آنها مواجه شوند؛ ه) برای اتباع خارجی مقیم در سرزمین‌های خود به اندازه اتباع خود امکان دسترسی به آموزش را فراهم آورند.

این ماده گستره وسیع‌تری از اهداف کنوانسیون را ارائه می‌دهد و با نگاهی جهانی و فراملیتی مسئله حق دسترسی به آموزش را مورد توجه قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که رفع تبعیضات جنسیتی در ذیل آن مفهوم می‌یابد.

ماده ۴ که می‌توان آن را ادامه ماده ۳ قلمداد کرد، به دسته دیگری از تعهدات دولت‌ها اشاره دارد و از دولت‌ها می‌خواهد سیاست‌های ملی آموزشی خود را به‌گونه‌ای تنظیم و اجرا کنند که برابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی و همچنین کیفیت و رفتار مشابه آموزشی برای هر دو جنس تضمین شود و این مسئله شامل ارائه خدمات ویژه برای افرادی که نتوانسته‌اند تحصیلات ابتدایی را دریافت یا کامل کنند، می‌شود. همچنین، دولت‌ها باید شرایط معلم شدن را بدون تبعیض برای همگان مهیا سازند.

یونسکو در توصیه‌نامه شماره ۳۷ خود در خصوص اقدامات دولت‌ها در مقابله با تبعیض در آموزش می‌گوید اصل عدم تبعیض نه تنها شامل قوانین، بلکه رویه‌های اداری و اقدامات فردی مقامات دولتی می‌شود. این اصل علاوه بر حاکمیت بر مؤسسات آموزشی دولتی، باید به‌نحوی تفسیر شود که مانع اعمال تبعیض در مؤسسات آموزشی خصوصی نیز گردد (Reports received from Member States on the measures taken to implement the 1960 Convention and Recommendation against Discrimination in Education, 2013:37).

دامنه تبعیض در این کنوانسیون در خصوص آموزش در مقایسه با سایر اسناد گسترده‌تر است. در بندهای «ج» و «د» ماده ۳ تبعیض در برخورداری از هرگونه کمک و امتیاز تحصیلی و آموزشی ممنوع است. از سویی بند «الف» ماده ۱ دامنه این کنوانسیون را به هر سطح از آموزش تسری داده است که شامل دوره‌های آموزش عالی نیز می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت در نظر گرفتن سهمیه خاص یا امتیازی ویژه در برخی رشته‌ها و برخی مقاطع به‌خصوص در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، چه به‌صورت مقررات نوشته، چه به‌صورت مقررات نانوشته و اقدامات فردی از سوی اداره‌کنندگان و ممتحنان آموزشی چون مصاحبه‌کنندگان، برای

دانشجویان پسر و ایجاد محدودیت یا محرومیت برای دختران دانشجو به صرف جنسیت، مغایر با این کنوانسیون و تعهد دولت‌ها در این خصوص است.

۳. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق به مسئله حق بر آموزش پرداخته و آن را براساس برابری و عدم تبعیض برای همگان خواستار است (ICESCR, 1966: arts.13-14). همچنین ممنوعیت تبعیض جنسیتی را در ماده ۲(۲) و ۳ تبیین و دولت‌ها را ملزم به تضمین آن می‌کند (ICESCR, 1966: arts. 2(2) and 3) در نظریه تفسیری که از سوی کمیته بین‌المللی میثاق در زمینه حق بر آموزش صادر شده، عنوان می‌شود تعهدات دولت‌ها در اجرای مواد ۲(۲) و ۳ آشکار می‌سازد که اقدامات موقتی که به منظور رفع تبعیض جنسیتی در خصوص حق بر آموزش صورت می‌گیرد، تا جایی مجاز خواهد بود که به تداوم استانداردهای مجزا و نابرابر برای گروهی خاص منجر نشود و این اقدامات باید پس از حصول نتایج موردنظر رفع شوند و دولت‌ها باید پیوسته بر تمام سیاست‌های آموزش‌محور، مؤسسات و برنامه‌های آموزشی نظارت کنند و از طریق ارائه الگوها و دیگر شیوه‌های عملی در رفع هرگونه تبعیض آموزشی گام بردارند (CESCR, General Comment. 13, 1999: para. 32).

براساس مفاد میثاق می‌توان نتیجه گرفت که حق بر آموزش بدون تبعیض در سلسله‌مراتب قواعد حقوق بین‌الملل وضعیت خاصی دارد، به این معنا که نمی‌توان گفت که این حق یکسره دارای وصف آمره است، اما از سوی دیگر می‌توان گفت که تکلیف دولت در آموزش ابتدایی برای همه و براساس برابری جنسیتی هم یک تعهد به نتیجه و هم تکلیفی آمره در مفهوم ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق معاهدات است (نیاورانی، ۱۳۸۹: ۱۹۱). حتی به نظر می‌رسد ناتوانی دولت‌ها در امکان تحقق مادی این حق نمی‌تواند آمره بودن آن را تحت‌الشعاع قرار دهد.^۱

۴. کنوانسیون حقوق کودک

این سند در ماده ۲۸ خود به مسئله حق بر آموزش اشاره کرده و دولت‌ها را متعهد می‌سازد که حق کودک را نسبت به آموزش به رسمیت بشناسد و برای دستیابی تدریجی به این حق براساس برابری فرصت‌ها اقدام کند (CRC, 1989: art 28). ماده ۲۹ کنوانسیون به مسئله اهداف آموزش می‌پردازد و بیان می‌کند که آموزش کودکان باید به‌گونه‌ای باشد که موجب

۱. زامبیا به‌هنگام الحاق به میثاق در خصوص ماده ۱۳ اعلامیه تفسیری صادر و ضمن تأکید بر لزوم اجباری بودن و پذیرش این تعهد اعلام می‌کند که از حیث مادی امکان تحقق فوری آن را ندارد. رک: World Education Report 2000, op. cit., p.22.

ارتقای شخصیت، استعداد و توانایی‌های جسمی و روحی شود و آنها را برای زندگی مسئولانه به‌همراه درک ضرورت صلح، مدارا، برابری جنسیتی و دوستی میان تمام افراد بشر با هر نژاد و ملیت و مذهبی آماده سازد. وقتی این الزامات در کنار ماده ۲ کنوانسیون قرائت می‌شود که بیان می‌کند دولت‌ها باید اطمینان یابند حقوق مندرج در این کنوانسیون بدون تبعیض از نظر نژاد، جنسیت، ملیت و مذهب در مورد تمام کودکان واقع در صلاحیت سرزمینی آنها محقق می‌شود و تمامی اقدامات را در جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض در برابر همه از جمله در مقابل والدین و اعضای خانواده کودک انجام دهند؛ این حق بنیادین و اساسی برای کودک به‌خوبی نمایان می‌شود، چراکه حتی والدین و اعضای خانواده کودک نیز نمی‌توانند تبعیضی در این خصوص اعمال کنند و دولت‌ها براساس بند ۲ ماده ۲ متعهد شده‌اند که اقداماتی را در جهت تضمین حقوق کودک در برخورداری از حق آموزش به‌صورت برابر علیه نزدیکان و اولیای قانونی وی نیز انجام دهند و آنان را مجازات کنند.

بیان عبارت «دستیابی تدریجی به این حق» در صدر ماده ۲۸ کنوانسیون و تأکید مقدمه کنوانسیون بر عدم هرگونه تبعیض و برقراری برابری بین کودکان برای تربیت سالم آنها از سویی آسیب‌پذیر بودن مضاعف کودکان دختر^۱ در مقابل تبعیض و نابرابری با لحاظ دو عامل توأمان سن و جنسیت، تعهد ایجابی، فوری و مستمر دولت‌ها را می‌طلبد که باید در سریع‌ترین و مؤثرترین حالت با استمرار و تداوم به‌سوی انجام این تعهد و ریشه‌کنی هرگونه تبعیض جنسیتی گام بردارند.

۵. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

این کنوانسیون در ماده ۶ بیان می‌کند که دختران دارای معلولیت در معرض تبعیض‌های چندگانه قرار دارند و از این‌رو دولت‌ها باید تدابیری را به‌منظور تضمین بهره‌مندی برابر و کامل آنها از تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، مانند حق بر آموزش، اتخاذ کنند. (Convention on the Rights of Persons with Disabilities, 2006: art. 6)

۱. براساس مطالعه ملل متحد در مورد خشونت علیه کودکان، عامل اصلی خشونت‌های جنسی در مدارس، نابرابری جنسیتی و کلیشه‌های سنتی و عرفی و نقش‌های اجتماعی تحمیلی است. این مسئله سبب می‌شود تا دختران در مقایسه با پسران در مواجهه با خشونت‌های جنسیتی بیشتر دچار خودمقصری‌بینی شوند و به‌منظور حفاظت از اعتبار اجتماعی و خانوادگی خود از تعقیب و مجازات مرتکب خودداری ورزند. این امر موجب ایجاد حاشیه امنی برای مرتکبان این دسته از خشونت‌ها می‌شود که رفتارهای خود را تکرار کنند. دولت‌ها علاوه‌بر اینکه باید محیط‌های آموزشی را برای کودکان، به‌خصوص دختران، امن سازند، باید اقدامات فرهنگی و آگاه‌سازی فراوانی برای ایجاد هوشیاری اجتماعی در خصوص این دسته از خشونت‌ها انجام دهند. ر.ک: Pinheiro, Paulo Sérgio, UN Study on Violence against Children, 1st edition, 2006: 119.

ماده ۲۴ کنوانسیون ذکر می‌کند دولت‌های عضو، حق آموزش را برای افراد دارای معلولیت به رسمیت می‌شناسند و از نظر تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به‌صورت مادام‌العمر تضمین خواهند کرد. کمیته حقوق افراد دارای معلولیت در نظریه تفسیری شماره ۴ خود درباره ماده ۲۴ بیان می‌دارد دولت‌ها باید موانع موجود بر سر تحقق حقوق مندرج در ماده ۲۴ را شناسایی و رفع کنند و اقدامات لازم را به‌منظور اطمینان از اینکه حق بر آموزش زنان و دختران دارای معلولیت به‌واسطه تبعیض جنسیتی یا تبعیض مبتنی بر معلولیت یا پیش‌داوری نسبت به توانایی این افراد مختل نشود، مبذول دارند (UN Committee on the Rights of Persons with Disabilities, Article 24: (the Right to Inclusive Education, 2016: para. 44).

دختران معلول علاوه بر جنسیت، مانند سایر زنان که به‌علت نژاد، مذهب، تابعیت و... از حقوق خود محروم‌اند، در معرض تبعیض‌های چندگانه و مضاعف قرار می‌گیرند. از این‌رو دولت‌ها نیز در این خصوص باید تعهداتی چندگانه و مضاعف داشته باشند.^۱ دولت‌ها ضمن تعهد بر برقراری برابری جنسیتی، باید امکانات، بستر و زیرساخت‌های لازم را چون تسهیل حضور در مدارس، مجهز ساختن این دسته از دختران به امکانات آمدوشد، تجهیز مدارس، تعلیم مربیان و... را مهیا سازند.^۲ با تصریح بر تعهد تدریجی دولت در بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون و اقدام به اتخاذ تدابیر فوری، مؤثر و مناسب از سوی دولت‌ها نسبت به حقوق معلولان به‌خصوص مبارزه با کلیشه‌ها از جمله کلیشه‌های جنسیتی در ماده ۸(ب) کنوانسیون و ملاحظه ماده ۲۴ کنوانسیون و امعان نظر در ماده ۶ در خصوص زنان معلول می‌توان گفت دولت‌ها متعهدند رابطه‌ای بین آموزش دختران معلول و حدود توانایی‌ها و جنسیت وی به‌صورت مادام‌العمر ایجاد کنند و در اجرای این تعهد با تدابیر حمایتی فردی و جمعی به ابزار، روش‌ها و وسایل نیز توجه کنند و اقداماتی مناسب با وضعیت جسمی دختران معلول را نیز بر عهده گیرند و قوانین و شرایط فیزیکی و فرهنگی جامعه را با شرایط دختران معلول برای برخورداری از آموزش همسان‌سازی کنند.

۱. برخی دولت‌ها در مقایسه با مقررات کنوانسیون، حمایت‌های مضاعفی از معلولان و به طریق اولی از دختران معلول به‌عمل آورده‌اند. برابر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (۱۳۸۳) ایران، آموزش رایگان معلولان شامل مهدکودک، ابتدایی، متوسطه، آموزش عالی و آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیز می‌شود. درحالی‌که براساس مقررات کنوانسیون تعهد دولت‌ها در این خصوص فقط به دوره ابتدایی و متوسطه تعلق می‌گیرد.

۲. در یکی از تصمیماتی که کمیته حقوق افراد دارای معلولیت در سال ۲۰۱۸ اتخاذ کرده است، اعلام می‌دارد که اقدام دولت اسپانیا مبنی بر ممانعت کودکان دارای معلولیت به ورود به مدارس این کشور نقض فاحش و سیستماتیک حق بر آموزش افراد معلول است. اگرچه این افراد نمی‌توانند در کنار افراد سالم مورد آموزش قرار گیرند، اما ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات لازم و نیز چارچوب‌های نظارتی کافی برای برخورداری افراد دارای معلولیت از حق بر آموزش همچنان یکی از تعهدات دولت‌ها باقی می‌ماند. ر.ک:

Committee on the Rights of Persons with Disabilities, Inquiry concerning Spain carried out by the Committee under article 6 of the Optional Protocol to the Convention, 2018, CRPD/C/20/.

۶. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

اگرچه این میثاق دلالت مستقیمی در زمینه حق بر آموزش ندارد، در ماده ۱۸ (۴) به آزادی آموزش اشاره دارد که بیان می‌دارد دولت‌ها باید آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق اعتقادات خود محترم شمارند (ICCPR, 1966: art. 18(4)).

مدنی و سیاسی می‌پردازد و در ماده ۲۶ به مقرره‌ای مستقل در خصوص عدم تبعیض اشاره دارد که نسبت به هر حوزه‌ای که از سوی حاکمیت دولت‌ها تنظیم و حمایت می‌شود، اعمال می‌شود. ماده مذکور بیان می‌دارد تمامی اشخاص در مقابل قانون مساویند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت از سوی قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیض را منع کرده و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی نسبت به هرگونه تبعیض به خصوص از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین کنند. کمیته حقوق بشر نیز در نظریه تفسیری خود اذعان می‌دارد هر مقرره‌ای که از سوی دولت‌ها مصوب و اعمال می‌شود، باید در انطباق با الزامات ماده ۲۶ و عاری از هرگونه تبعیض باشد. (HRC, General Comment 18, 1989: para. 12)

بنابراین می‌توان گفت اعمال اصل عدم تبعیض مندرج در ماده ۲۶ به‌طور صرف محدود به حقوق مورد اشاره میثاق نمی‌شود، بلکه شرطی است جامع که تمام حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری را در برمی‌گیرد که ممکن است در دیگر اسناد حقوق بشری ملحوظ شده باشند. اصل عدم تبعیض در آموزش را که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر موج می‌زند، می‌توان اولین اصل راهنما در قلمرو اجرای حق بر آموزش دانست. حق بر آموزش و تمین آن به‌صورت برابر برای دختران و پسران اصل محوری هر نظام آموزشی باید قرار گیرد. بنابراین، دولت‌ها موظف‌اند اطمینان حاصل کنند که حقوق و مقررات مربوط به آموزش فاقد الزامات یا ترتیباتی تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و دختران باشد.

برابری جنسیتی در آموزش در سند توسعه پایدار

سند توسعه پایدار دارای دو هدف اصلی مرتبط با برابری جنسیتی در آموزش و شامل اهداف شماره ۴ و ۵ است.

هدف شماره ۴ از دولت‌ها می‌خواهد ایجاد آموزش با کیفیت جامع و برابر را تضمین کنند و فرصت‌های آموزش مداوم را برای همگان گسترش دهند (Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development, 2015: Goal 4). سند مزبور چارچوب‌هایی را تعیین می‌کند که دولت‌ها از مجرای آنها هدف منظور را محقق سازند.

گزارشگر ویژه حق بر آموزش، در گزارش اخیر خود به مجمع عمومی سازمان ملل بیان کرده که هدف شماره ۴ توسعه پایدار با ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر که بیان می‌دارد: آموزش باید به پیشرفت کامل شخصیت انسان و تقویت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی منجر شود؛ به‌عنوان مجموعه‌ای از اهداف حق آموزش، دارای تشابه یا همپوشانی هستند (Report of the Special Rapporteur on the right to education, 2019: para.17) را می‌توان در ماده ۵ کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش، ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک نیز ملاحظه کرد.

هدف شماره ۵ به مسئله برابری جنسیتی می‌پردازد و بیان می‌کند دولت‌ها باید دستیابی به برابری جنسیتی و توانمند ساختن تمام زنان و دختران را تضمین کنند و بر این اساس اقداماتی را انجام دهند.

با در نظر گرفتن چارچوب‌های تبیین‌شده در اهداف ۴ و ۵ توسعه پایدار این نتیجه حاصل می‌شود که سند مزبور زنان و دختران را به‌عنوان یک گروه خاص که به‌واسطه رویکردهای تبعیض‌آمیز مورد خشونت و تضعیف قرار می‌گیرند، شناسایی کنند و از دولت‌ها می‌خواهد در این زمینه چارچوب‌های قانونی و اجرایی خود را سامان دهند. دولت‌ها در اجرا و پیاده کردن حق بر آموزش برای دختران و زنان بدون تبعیض، مسئولیت اولیه و اصلی دارند که در گزارش گزارشگر ویژه حق بر آموزش بر این موضوع نیز تأکید شده است (Report of the Special Rapporteur on the right to education, 2017: para.123).

رویه دولت‌ها در ایجاد برابری جنسیتی

در قانون اساسی عموم دولت‌ها، بر تعهد دولت به تأمین آموزش و پرورش و تعمیم آن برای همگان بدون تبعیض تأکید شده است. در این باره قانون اساسی ایتالیا ضمن تأکید وظیفه خانواده به‌ویژه پدر به تأمین آموزش فرزندان، ذیل اصل ۳۴ بیان می‌دارد آموزش ابتدایی رایگان و اجباری و بدون تبعیض است و از آن پس دولت موظف است دانش‌آموزان مستعد را تا بالاترین سطوح آموزشی به‌طور برابر حمایت کند و آنها را از آموزش‌های مناسب در قالب طرح‌های بورسیه‌ای بهره‌مند سازد. قانون اساسی ترکیه در ماده ۴۲ خود اعلام می‌کند هیچ‌کس نباید از حق آموزش محروم شود و دولت باید زمینه‌های آموزش عمومی، رایگان و اجباری را برای همگان - اعم از دختر و پسر - فراهم آورد. اصل ۲۶ قانون اساسی ژاپن به آموزش و پرورش رایگان اجباری و همگانی پرداخته است و بیان می‌دارد همه مردم حق دارند برحسب استعدادشان از آموزش یکسان برخوردار شوند. همه مردم موظف‌اند پسران و دختران تحت تکفل خویش را از آموزش متعارف به‌ترتیب مقرر در قانون بهره‌مند سازند قانون اساسی فرانسه، تضمین دسترسی برابر به آموزش برای تمامی افراد را تعهد دولت اعلام می‌دارد که باید امکانات

خود را برای فراهم‌سازی نظام آموزشی رایگان و عمومی به‌کار گیرد.^۱ از بررسی چارچوب‌های قانونی دولت‌ها در خصوص حق بر آموزش و ابعاد مختلف آن چنین برمی‌آید که در برخورداری از این حق هیچ تبعیضی نباید صورت بپذیرد و دولت‌ها باید تمام اقدامات لازم به‌منظور تضمین این امر را به‌طور برابر اتخاذ کنند.

دولت ایران هم‌راستا با سایر دولت‌ها در قانون اساسی خود بر تأمین آموزش و پرورش تا سطح متوسطه برای همه تأکید کرده است. به همین منظور، در اصل ۳۰ دولت موظف شده است وسایل آموزش رایگان را برای همه ملت - بدون توجه به جنسیت- تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

به‌کارگیری عبارت «برای همه» در بند ۳ اصل ۲۳ و «برای همه ملت» در اصل ۳۰، به این معناست که قانون اساسی به حق آموزش و پرورش برای همه اتباع کشور معتقد است و هرگونه تبعیض، نژادی، قومی، مذهبی و جنسیتی را در میان اتباع کشور جایز نمی‌داند. این موضوع در کنار بند ۹ اصل ۳ که به رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه اشاره دارد و نیز اصل ۲۰ که به برابری زن و مرد در برخورداری از حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد، جلوه غیرتبعیض‌آمیز بودن آموزش در ایران را بیشتر متبلور می‌سازد. از این‌رو هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن و جنس در نظم حقوقی ایران وجود ندارد. قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش منبع دیگری است که می‌توان جایگاه حق بر آموزش در قوانین ایران را مورد توجه قرار داد. براساس ماده ۵ این قانون، همه دانش‌آموزان باید از تعلیمات مناسب، برحسب استعداد و جنس، به‌منظور شکوفایی استعدادهای خود بهره‌مند شوند (قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش، ۱۳۶۶).

نکته شایان ملاحظه اینکه عبارت «برحسب استعداد و جنس» به امر تبعیض دلالت نمی‌کند، توجه به ادامه ماده دلالت بر انطباق تعلیمات با مبانی و شئون اسلامی است که هر جنس بر این اساس از آموزش لازم برخوردار خواهد بود.

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که از اسناد بالادستی حوزه آموزش و پرورش ایران محسوب می‌شود، این موضوع نیز مورد توجه قرار گرفته است. براساس این سند، آموزش و پرورش باید به‌صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه، الزامی و در ساختاری کارآمد و اثربخش برای تمام دانش‌آموزان ارائه شود. هرچند این سند اشاره مستقیمی به برابری جنسیتی ندارد، در هیچ‌یک از اهداف و ساحت‌های آن نمی‌توان مقررهای یافت که به محرومیت دختران از حق آموزش به صرف جنسیت منجر شود. در تمام بندها و مندرجات این سند به‌طور عام به تعهد

1. Library of Congress, Constitutional Right to an Education in Selected Countries, 2016, available at: <https://www.loc.gov/law/help/constitutional-right-to-an-education/constitutional-right-to-education.pdf>.

۱. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

دولت در تربیت و آموزش انسان، فرد و دانش‌آموزان، فارغ از جنسیت آنها، اشاره شده و براساس گفتمان ایرانی-اسلامی به تقویت هویت جنسیتی و آموزش براساس تفاوت‌های جنسیتی پرداخته شده است. در مجموع می‌توان گفت با توجه به عضویت ایران در اسناد بین‌المللی که به تعهد حقوقی دولت‌ها بر ایجاد برابری در آموزش قائل‌اند، قانون اساسی ایران و همچنین امضا و پذیرش سند توسعه پایدار و اعلامیه اینچئون^۱-با تحفظ^۲-جنسیت عاملی برای محرومیت از آموزش یا اعمال تبعیض در برخورداری از این حق در نظام حقوقی ایران نیست، اما کیفیت و نحوه آموزش به گونه‌ای خواهد بود که عدالت در برخورداری از فرصت‌های آموزشی باکیفیت با توجه به تفاوت‌های دختران و پسران و هویت جنسیتی حاکم باشد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: بند «ه» راهکار ۱-۱، راهکار ۲-۱۴ و راهکار ۲-۱۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفتیم اصل عدم تبعیض در آموزش ترجیح‌بند اسناد حقوق بشری و چارچوب‌های حقوق بشری مربوط به حق زنان و دختران بر آموزش جامع و کامل است. در واقع، نه تنها به موانعی که زنان و دختران در برخورداری از این حق روبه‌رو هستند می‌پردازد، بلکه زمینه‌های تحقق آن را نیز مهیا می‌سازد و ضمن هویت بخشیدن به مسئله نابرابری جنسیتی، با آن مبارزه می‌کند و در تمام حوزه‌های قانونگذاری و اجراء، دولت‌ها را موظف و متعهد به ایجاد چارچوب‌های تعریف‌شده به منظور رفع تبعیض و تضمین حقوق زنان در مسئله آموزش می‌کند.

با نظر به اسناد بین‌المللی، بیشتر دولت‌ها در خصوص حق زنان بر آموزش و تضمین برابری جنسیتی در این زمینه به صورت دوزوره و حقوقی متعهد شده‌اند؛ یعنی خود را معرض مسئولیت‌های ناشی از نقض حق مزبور قرار داده‌اند. این امر به واسطه سند توسعه پایدار که متضمن تعهدات سیاسی دولت‌هاست، تقویت شده است تا تمام تلاش خود را به منظور حصول به اهداف توسعه پایدار از جمله برابری جنسیتی و برابری آموزشی انجام دهند.

اهمیت موضوعات حقوق بشری در زیست بین‌المللی موجب شده است که میزان اهتمام دولت‌ها به این امور، به عنوان عاملی برای سنجش پایبندی دولت‌ها به تعهدات بین‌المللی، توسعه‌یافتگی و مدنیت آنها محسوب شود.

از طرفی، سند چشم‌انداز ۲۰۳۰، به عنوان یک مانیفست و اجماع جهانی در خصوص

1. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000243724>, (Last Visited 1.8.2019).

۲. جمهوری اسلامی ایران خود را متعهد به بخش‌هایی از چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ «که به هر شکلی در تعارض با مقررات و اولویت‌های ملی، باورهای دینی و ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی تفسیر و تعبیر شوند، نمی‌داند.» رک:

<http://dolat.ir/detail/293800>.

آرمان‌ها و اهداف جامعه بین‌المللی می‌تواند دولت‌ها را در ایجاد سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطح ملی و بین‌المللی یاری کند. اگرچه این سند فاقد الزامات حقوقی است و قربانیان نمی‌توانند با استناد به آن در سازوکارهای بین‌المللی استیفای حق خود را مطالبه کنند، اما در چارچوب‌های داخلی، این سند می‌تواند مستندی برای تعهد دولت در ایجاد برابری جنسیتی در آموزش تلقی شود و محاکم ملی می‌توانند با استناد به این تعهد، دولت متبوع خود را ملزم به اجرای آن اهداف کنند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، چ سوم، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

ب) مقالات

۲. اسماعیلی، محسن؛ امینی پژوه، حسین (۱۳۹۵)، «تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ش ۱۴، ص ۹۴-۶۹.

۳. جعفری، زهرا (۱۳۹۲)، «تأملی بر ماهیت تعهدات دولت‌ها از منظر حق‌های بشری، تعهدات سه‌گانه؛ تعهد واقعی دولت‌ها به حفاظت از حقوق بشر»، *فصلنامه شهر قانون*، ش ۵، ص ۱۵۵-۱۵۳.

۴. نیاورانی، صابر (۱۳۸۹)، «منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۵۲، ص ۲۰۱-۱۷۶.

ج) قوانین و مقررات

۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.

۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۷. قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش، ۱۳۶۶.

۸. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، ۱۳۸۳.

A) Books

9. Pinheiro, Paulo Sérgio (2006), *WORLD REPORT ON violence against children*, UN Study on Violence against Children, Geneva, United Nations.

B) Articles

10. Barelli, Mauro, (2009), "The Role of Soft Law in the International Legal System: The Case of the United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples", *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 58, No. 4, pp. 957-983.
11. Galbraith, Jean, (2017), "From Treaties to International Commitments: The Changing Landscape of Foreign Relations Law", *Penn Law: Legal Scholarship*, pp.1699-1705.
12. Mikkola, Anne, (2007), "Development and Gender Equality: Consequences, Causes, Challenges and Cures", *Helsinki Center of Economic Research*, Discussion Paper No. 159, pp. 1-61.
13. Singh, Kishore, (2014), "Right to Education and Equality of Educational Opportunities", *CICE Hiroshima University, Journal of International Cooperation in Education*, Vol.16, No.2, pp.5-19.
14. Wilson, Duncan, (2004), "Human Rights: Promoting Gender Equality in and through Education", *Prospects*, Vol. 34, pp.11-27.

C) Documents

15. Committee on the Rights of Persons with Disabilities, Inquiry concerning Spain carried out by the Committee under article 6 of the Optional Protocol to the Convention, 2018, CRPD/C/20/.
16. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment 11, (1999), Plans of action for primary education, E/C.12/1999/4.
17. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment 16, (2005), E/C.12/2005/3.
18. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment. 20, (2009), E/C.12/GC/2009.
19. Committee on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families, General comment No. 2 on the rights of migrant workers in an irregular situation and members of their families, adopted on 28 August 2013, CMW/C/GC/2.
20. Committee on the Rights of Persons with Disabilities, Inquiry concerning Spain carried out by the Committee under article 6 of the Optional Protocol to the Convention, (2018), CRPD/C/20/.
21. Committee on the Rights of the Child, General comment No. 15 on the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health, (2013), CRC/C/GC/15.

22. Convention on the Rights of the Child, (1989).
23. Declaration on the Elimination of Violence against Women, (1993).
24. Economic and Social Council, Commission on Human Rights, the Special Rapporteur on the right to education, (2006), E/CN.4/2006/45.
25. Education 2030: Incheon Declaration and Framework for Action for the implementation of Sustainable Development Goal 4, (2016), ED-2016/WS/28.
26. European Court of Human Rights, Osmanoglu and Kocabaş v Switzerland App no 29086/12, 2017.
27. General Assembly, Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on the right to education, (2011), A/HRC/17/29.
28. Guide on Article 2 of Protocol No. 1 to the European Convention on Human Rights, European Court of Human Rights, (2018).
29. Human Rights Committee, CCPR Leirvåg and ors v Norway, 2004, Communication No. 1155/2003, CCPR/C/82/D/1155/2003.
30. Inter-American Convention on the Prevention, Punishment and Eradication of Violence against Women (Convention of Belem do Para), (1994), OAS Treaty Series No. A and 61.
31. International Covenant on Civil and Political Rights, (1966).
32. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966).
33. Joint general recommendation of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women, No. 31, 2014.
34. General comment of the Committee on the Rights of the Child on harmful practices, No. 18, (2014).
35. Optional Protocol to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities, (2006).
36. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on a communications procedure (OP3-CRC), (2011).
37. Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (OP-ICESCR), (2008).
38. Report of the Special Rapporteur on the right to education, (2019), A/74/243.
39. Report of the Special Rapporteur on the right to education, (2017), A/72/496.
40. Report of the Special Rapporteur on the right to education, (2019), A/74/243.
41. Summary of the reports received from Member States on the measures taken to implement the 1960 Convention and Recommendation against Discrimination in Education, (2013), 37 C/26.
42. The Committee on the Elimination of Discrimination against Women, General recommendation No. 16, (1991), A/46/38.
43. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, (1979).
44. The Convention on the Rights of Persons with Disabilities, (2006).
45. The Council of Europe Convention on Preventing and Combating Violence against Women and Domestic Violence (Istanbul Convention), (2011).
46. The Global Gender Gap Report, (2018).

47. The Optional Protocol to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (OP-CEDAW), (1999).
48. The Right to Education - Law and Policy Review Guidelines, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, (2014).
49. The United Nations Convention on the Rights of the Child (CRC), (1989).
50. The Universal Declaration of Human Rights.
51. Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development, (2015), A/RES/70/1.
52. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment No. 13: the Right to Education, (1999).
53. UN Committee on the Elimination of Discrimination against Women, A.S. v. Hungary, Communication No. 4/2004, CEDAW/C/36/D/4/2004.
54. UN Committee on the Elimination of Discrimination against Women, the inquiry concerning the Philippines under article 8 of the Optional Protocol to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 22 April 2015, CEDAW/C/OP.8/PHL/1.
55. UN Committee on the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, (2017) General Recommendation No. 36.
56. UN Committee on the Rights of Persons with Disabilities, General comment No. 4, Article 24: the Right to Inclusive Education, (2016).
57. UN Human Rights Committee, General Comment No. 18: Non-Discrimination, (1989).
58. UNESCO Convention against Discrimination in Education, (1960).
59. UNESCO, Country Commitments to Gender Equality in Education, Right to Education Initiative Report, (2018).
60. UNESCO Digital Library, Education 2030: Incheon Declaration and Framework for Action for the Implementation of Sustainable Development.
62. United Nations Charter.
63. World Education Report (2000), op. cit.

۳. اینترنتی

64. Council of Europe, European Committee of Social Rights, available at: <https://www.coe.int/en/web/european-social-charter/european-committee-of-social-rights>.
65. Library of Congress, Constitutional Right to an Education in Selected Countries, 2016, available at: <https://www.loc.gov/law/help/constitutional-right-to-an-education/constitutional-right-to-education.pdf>.
66. Right to Education, Regional Human Rights Mechanisms, available at: <https://www.right-to-education.org/page/regional-human-rights-mechanisms>.
67. <http://dolat.ir/detail/293800>.
68. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000243724>.
69. <https://www.universal-rights.org/blog-nyc-3/does-the-un-already-have-the-tools-to-prevent-violent>.